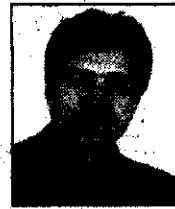




# ایران، آمریکا

## جورج بوش؟!!



محمد قنصی  
کارشناس مسایل بین الملل

باید سیاست ضدتروریستی خودش را بی بگیرد و از پای ننشیند.

در انتخابات آمریکا جورج بوش از حزب جمهوری خواه موفق به کسب ۳۷۹ رای الکترا شد که این میزان ۹ رای بیشتر از آرای مورد نیاز برای پیروزی بر رقیب بود. به این ترتیب جورج بوش برای دومین بار و به عنوان چهل و چهارمین رئیس جمهوری برگزیده شد. در حالی که جان کری از حزب دموکرات فقط توانست ۲۵۲ رای الکترا بدست آورد. برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بدست آوردن ۲۷۰ رای از مجموع ۵۳۸ رای الکترا لازم است. در آمریکا ۱۰۰ سناتور، ۴۳۵ نماینده و ۳ نماینده منطقه واشنگتن دی. سی

نظرسنجی هایی که در جریان مبارزات انتخاباتی جمهوری خواهان و دموکرات ها انجام گرفت هیچ یک از رقبا برتری قابل توجهی نسبت به یکدیگر نداشته و پیش بینی موفقیت آنها امکان پذیر نبود. به همین دلیل موفقیت جورج بوش و حزب جمهوری خواه ارتباط به تحولاتی داشت که در آخرین روزهای قبل از برگزاری انتخابات شاهد آن بودیم. عده ای بر این اعتقاد هستند که پیام اسامه بن لادن رهبر القاعده که تهدید آمریکا را در پی داشت کمک موثری به برتری بوش کرده و در حقیقت به یاری بوش آمد زیرا این پیام به آمریکایی ها هشدار داد که تا زمانی که بن لادن و القاعده به بقای خود ادامه می دهند واشنگتن نیز

جورج بوش پسر یا پیروزی بر جان کری از حزب دموکرات توانست به موفقیت قابل توجهی رسیده و برای دومین بار به مدت ۴ سال دیگر ساکن کاخ سفید واشنگتن شود. او که ۴ سال پر تنش و پرهیاهو را پشت سر گذارده درصدد است در ۴ سال آینده آنچه را که در سال های گذشته کاشته، درو کند.

جورج بوش پسر در انتخابات ریاست جمهوری و حزب جمهوری خواه رکورد جدیدی برجای گذارده و به قدرت برتر آمریکا تبدیل شدند در حالی که در

هستند که تمامی سناتورها و نمایندگان کنگره ۵۰ ایالت آمریکا را شامل می‌شوند. آنها روی هم ترازای ۵۳۸ رأی الکترونی هستند. اگر یک کاندیدا موفق به پیروزی در یک ایالت شود تمامی کارت‌های الکترونی آن ایالت در اختیار کاندیدای پیروز قرار می‌گیرد.

همین سیستم سبب گردیده عده‌ای بر این باور باشند که ممکن است کسی که بیشترین کارت و رأی الکترونی را بدست می‌آورد از نظر تعداد رأی مردم اکثریت را از آن خود نکرده باشد. ولی بوش که ۲۷۹ کارت و رأی الکترونی را از آن خود کرد در مجموع ۵۹ میلیون و ۳۳۷ هزار و ۵۲۳ رأی مردم یعنی ۵۱ درصد از کل رأی مردم را نیز بدست آورد.

در حالی که کلینتون کمتر رئیس جمهوری در آمریکا بوده که بیش از ۵۰ درصد رأی رای دهندگان را از آن خود کرده باشد. در همین حال جان کری از حزب دموکرات نیز ۵۵ میلیون و ۵۵۷ هزار و ۵۸۲ رأی یعنی ۴۸ درصد رأی

### برای روسای جمهوری آمریکا، منافع ملی این کشور از اهمیت به سزایی برخوردار است

مردم را کسب کرد.

در این انتخابات ۱۱۴ میلیون و ۶۷۵ هزار و ۱۰۷ رأی بر صندوق‌ها ریخته شد در حالی که در انتخابات سال ۲۰۰۰ که جورج بوش توانست بر آل گور پیروز شود ۱۰۶ میلیون نفر در پای صندوق‌های رأی حضور یافته بودند.

در آمریکا ۱۵۶ میلیون نفر واجد شرایط هستند که به این ترتیب حدود ۷۳ درصد از آنها رأی دادند. موفقیت بوش و حزب جمهوری خواه برای بار دوم با توجه به انتقادهای شدید جان کری و حزب دموکرات و شبکه مطبوعاتی و اطلاعاتی آمریکا و برخی کشورها از جمله جناح محافظه کار ایران، غیرمترقبه بود.

۸ سال پس از آنکه جورج بوش پدر با شکست عراق و آزادی‌سازی کویت موفقیت آمریکا را در خلیج فارس تقویت و تثبیت کرد و در شرایطی که

امپراتوری شوروی به زعامت و رهبری میخائیل گورباچف آخرین روزهای حیات خود را به عنوان ابرقدرت شرق سر می‌کرد طرح نظم نوین جهانی را اعلام کرد که در دوران حکومت بیل کلینتون و دموکرات‌ها مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته و فراموش شد.

جورج بوش پدر وعده سرنگونی صدام حسین و رژیم بعث عراق و استقرار دموکراسی را در کشورهای عرب خاورمیانه و خلیج فارس داده بود اما دموکرات‌ها، مخالف سیاست‌های جمهوری خواهان بوده و سیاستی در حقیقت مخالف روش‌های جورج بوش پدر را در پیش گرفتند.

سر داده بود. کلینتون طرح‌ها و برنامه‌های جمهوری خواهان و جورج بوش پدر را فراموش کرده و نظم نوین جهانی را نادیده گرفت تا حدی که نسبت دوستی به سوی تهران و بغداد دراز کرده و در صدد تنش زدایی برآمد.

ولی تاریخ آنگونه که درباره ریگان و جورج بوش پدر تکرار شد به کلینتون و معاونش آل گور روی خوش نشان نداد و مردم آمریکا پس از ۸ سال دموکرات‌ها را در کاخ سفید حفظ نکرده و بار دیگر به جمهوری خواهان رأی دادند. این بار قرعه به نام جورج بوش پسر اصابت کرده و او راهی کاخ سفید شد تا در حقیقت ادامه دهنده راه پدر و رونالد ریگان



باشد و طرح‌های جورج بوش پدر را درباره نظم نوین جهانی و خاورمیانه آزاد و دموکراتیک به مرحله اجرا در آورد. به همین دلیل ۴ سال اول ریاست جمهوری جورج بوش پسر در کاخ سفید بر خلاف دوران پدرش که آمریکا حالتی تدافعی داشته و فقط از حوادث و رویدادهای جهانی و منطقه‌ای پیروی و دنباله روی می‌کرد به تهاجم به خاورمیانه و خلیج فارس سبزی شد که از جمله دستاوردهای این سیاست که می‌تواند به تحقق نظم نوین جهانی منجر شود سقوط طالبان در افغانستان و رژیم بعث عراق و صدام حسین در عراق بود.

جمهوری خواهان در پی ناکامی‌های دموکرات‌ها و جیمی کارتر در ایران و این منطقه، قدم به کاخ سفید گذارند. به همین دلیل طی ۱۲ سال حکومت جمهوری خواهان که رونالد ریگان و جورج بوش پدر در کاخ سفید حضور داشتند سیاست خارجی واشنگتن، سیاست تهاجمی بود. در همین رابطه حملاتی به پاناما، گرانادا و عراق شده و ارتش آمریکا در گوشه و کنار جهان فعال شد. ولی آمریکایی‌ها پس از ۱۲ سال جمهوری خواهان را کنار گذاشته و رأی به بیل کلینتون و حزب دموکرات دادند که شعارهای جان کندی رئیس جمهوری پیشین را

روسی که جورج بوش پسر در ۴ سال اول حکومت خود در واشنگتن پیش گرفت به مذاق بسیاری خوش نیامد و زمه‌های مخالفی در آمریکا و گوشه و کنار جهان آغاز شد که سبب گردید برخی از متحدان این کشور در اروپا از جمله آلمان و فرانسه هم چون روسیه نیز از همراهی با واشنگتن سرباز زده و به انتقاد از سیاست‌های بوش پرداختند. به همین دلیل در ماجرای عراق سعی کردند او را تنها بگذارند ولی موفق نشدند و جامعه جهانی از اقدام مشترک آمریکا و انگلیس در عراق پشتیبانی کرد به گونه‌ای که ده‌ها کشور همراه با نظامیان آمریکا در عراق حضور یافتند.

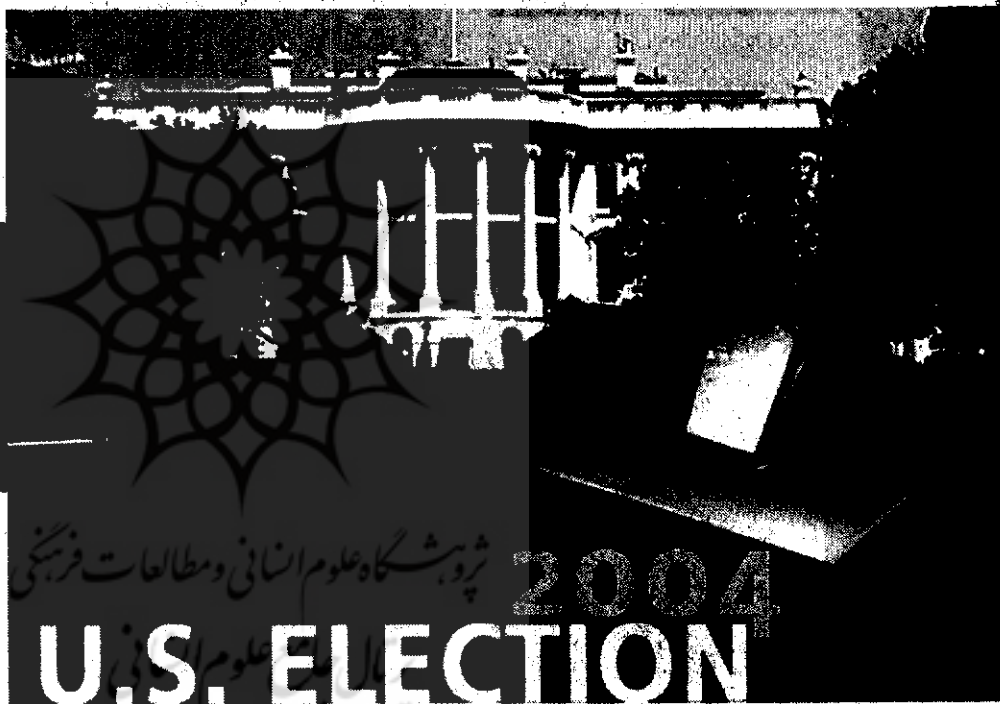
کری بارها اعلام کرده بود که آمریکا به رهبری نیاز دارد که بتواند متحدین این کشور را متحد کند. همچنین "جان ادواردز" معاون کری گفته بود: در صورت پیروزی در انتخابات، با ایران و سوریه به ملایمت برخورد نخواهد شد وی افزود: ما می‌توانیم تضمین کنیم که همسایگان عراق از جمله ایران و سوریه هرگز نخواهند توانست ممانعی در راه ایجاد عراق دموکرات به وجود بیاورند.

یکی از مسائلی را که درباره دو حزب دموکرات و جمهوری خواه آمریکا و روسای جمهوری این کشور باید عنوان کرد این است که تفاوتی میان این احزاب وجود ندارد و این گونه نیست که دموکرات‌ها

اعطا کردند. همچنین می‌توان به این سخن یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا قبل از برپایی انتخابات اشاره کرد که صراحتاً بر این مساله تاکید کرده بود که حتی با وجود روی کار آمدن دموکرات‌ها هیچ تغییری در سیاست‌های واشنگتن به وجود نخواهد آمد.

## ایران و آمریکا:

یکی از مهم‌ترین محورهای تبلیغاتی جان کری و جورج بوش، ایران و مساله برنامه‌های هسته‌ای ایران بود. بطوری که هر یک از آنها سعی می‌کرد موضعی حاد علیه ایران اتخاذ کرده و مسائلی را عنوان کند که آرای بیشتری را بدست بیاورد. جان کری در مصاحبه‌ای با مجله آمریکایی نیوزویک گفته بود: من پیش از این نیز اعلام کرده‌ام که ایران و منع تولید و گسترش تسلیحات را در راس برنامه کار دولت



آمریکا پس از کودتای  
۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به  
دخالت‌های خود در  
ایران افزود

قرار خواهم داد.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در شرایطی برگزار شد که ایران و سه کشور اروپایی مذاکرات خود را درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران ادامه داده و اتحادیه اروپا تهدیدهایی را مطرح کرده بود که بسیار جدی به نظر می‌رسیدند. در همین رابطه پس از پیروزی بوش، دیوید فروم یکی از کارشناسان آمریکایی اعلام کرد: موضع آمریکا در قبال ایران خصمانه‌تر خواهد شد. وی که به مجله آلمانی اشپگل سخن می‌گفت افزود: اروپایی‌ها اصرار دارند بوش برنامه هسته‌ای ایران را از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل کنترل کند. به گفته وی، دنیا به ویژه با این مساله روبه‌رو است که چه چیزی رخ خواهد داد اما ایران، عراق نیست و تحریم‌های اقتصادی می‌تواند بر دولت ایران موثر واقع شود.

و جمهوری خواهان مخالف هم بوده و یا مشی جداگانه‌ای داشته باشند بلکه این دو حزب دو محفل سیاسی هستند که مشابه هم بوده و در یک راستا حرکت می‌کنند و هدف آنها نیز حفظ منافع آمریکا در جهان است.

نگاهی به حامیان مالی آنها در انتخابات اخیر این واقعیت را آشکار می‌سازد که بسیاری از کمپانی‌های بزرگ و ثروتمند هم زمان از هر دو حزب حمایت و پشتیبانی مالی کرده‌اند. در این رابطه می‌توان به کمپانی‌های جنرال موتورز و آی بی ام اشاره کرد که کمک‌های خود را به بوش و کری

در دوران مبارزات انتخاباتی، دموکرات‌ها نیز همراه با روسیه، فرانسه و آلمان علیه اقدامات بوش در عراق و خاورمیانه به انتقاد پرداختند. در این رابطه ماندلین آلبرایت، وزیر خارجه بیل کلینتون از حزب دموکرات، هم صدا با دیگر مخالفین اعلام کرد: ما روش مناسب در مبارزه با تروریسم را به شکل شایسته‌ای به کار نبرده‌ایم.

مبارزه با تروریسم، اوضاع عراق و افغانستان و چگونگی مقابله با ایران از محورهای اصلی مبارزات تبلیغاتی بوش و کری در زمینه مسایل بین‌المللی بود.



رابطه ایران و آمریکا در طول سال‌هایی که از برقراری رابطه میان این دو کشور می‌گذرد پرفراز و نشیب بوده است. به طوری که زمانی مردم ایران و حتی سیاستمداران دیدگاه مثبتی نسبت به آمریکا داشته و این کشور را کشوری دموکراتیک و آزادیبخش به حساب می‌آوردند. ولی جالب توجه است که بین ایران و آمریکا از زمان برقراری رابطه دیپلماتیک سیستم کاپیتولاسیون برقرار شد که این روش در زمان رضاشاه لغو گردید. ولی این قانون در زمان محمدرضا شاه و نخست وزیر حسینی منصور مجدداً احیا شد که اعتراض آیت الله خمینی و تبعید وی را به ترکیه سپس عراق در پی داشت. رابطه ایران و آمریکا از سال ۱۸۵۶ تا حال حاضر ۳ مرحله را پشت سر گذارده است که عبارتند از:

۱. مرحله اول از سال ۱۸۵۶ تا اوت ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) که در این سال‌ها آمریکا رابطه قابل قبولی با ایران داشته و توانسته بود همایش و پشتیبانی مردم را به خود جلب کند.

۲- مرحله دوم پس از کودتای ۲۸ مرداد آغاز و تا زمان اشغال سفارت این کشور در تهران بدست دانشجویان مسلمان در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ طول کشید. در این سال‌ها آمریکا از یک کشور دوست و حامی به یک ابرقدرت مداخله‌گر تبدیل شده و توانست کنترل ایران در دست بگیرد.

۳. مرحله سوم که پس از اشغال سفارت آمریکا و قطع رابطه این کشور با ایران آغاز شد تاکنون ادامه داشته است.

اگرچه ایران و آمریکا در سال ۱۸۵۶ روابط دیپلماتیک برقرار کردند ولی چندین سال بعد سفارت این کشور در تهران گشایش یافت. در طول این سال‌ها به دفعات رابطه دو کشور قطع و یا بحرانی شد.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و رقابت میان جان کری و جورج بوش از احزاب دموکرات و جمهوری خواه بر خلاف تمامی انتخابات و جابه‌جایی چهره‌ها که در گوشه و کنار جهان حتی در همسایگی ایران شاهدیم از سوی افکار عمومی کشورمان با جدیت پی‌گیری شده و چشم‌های بسیاری متوجه تبلیغ آن بود. در صورتی که در سال‌های قبل از انقلاب، اگر چه ایران نگاهی به انتخابات آمریکا داشت و از یک کاندید و یا حزب خاصی در برخی

مقاطع حمایت و پشتیبانی می‌کرد ولی این حمایت‌ها و نگاه‌ها ماهیت مردمی نداشت و دربار و هیات حاکمه سعی داشت با یک حزب و کانیدیا ارتباط برقرار کرده و به نفع او وارد صحنه شود به طوری که گفته می‌شود در انتخابات سال ۱۹۷۶ آمریکا که رقابت میان جerald فورد از حزب جمهوری خواه و جیمی کارتر از حزب دموکرات بود شاه ایران و دربار پهلوی از جمهوری خواهان حمایت مالی و سیاسی کرده و تمایل خود را به ادامه ریاست جمهوری جerald فورد که پس از رسوایی واتر گیت جانشین ریچارد نیکسون شده بود ابراز می‌کرد زیرا از شمارها و برنامه‌های کارتر درباره حقوق بشر و انتقاد از سیاست‌های داخلی دولت ایران نگران بوده و او را مخالف خود می‌دانست. هر چند در نهایت کارتر در پی سفر به تهران که در زمان ریاست جمهوری صورت گرفت خود را با ایران همراه ساخته و هماهنگ شد ولی این رابطه و هماهنگی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و سقوط شاه به وخامت گرایید.

در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر دو حادثه و رویداد مهم در ارتباط با ایران اتفاق افتاد که بسیار حائز اهمیت است و تاثیر منفی بر روابط دو کشور گذاشت. این دو حادثه عبارت بودند از:

۱. پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظام پادشاهی در ایران که سبب از بین رفتن یک متحد



مهم مبارزات انتخاباتی بوش و کری بود و آنها سعی داشتند با اتخاذ مواضع تند و حاد علیه ایران، آرای مخالفان تهران را به خود جلب کنند.

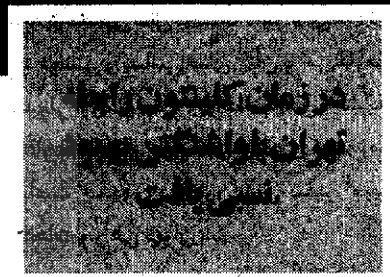
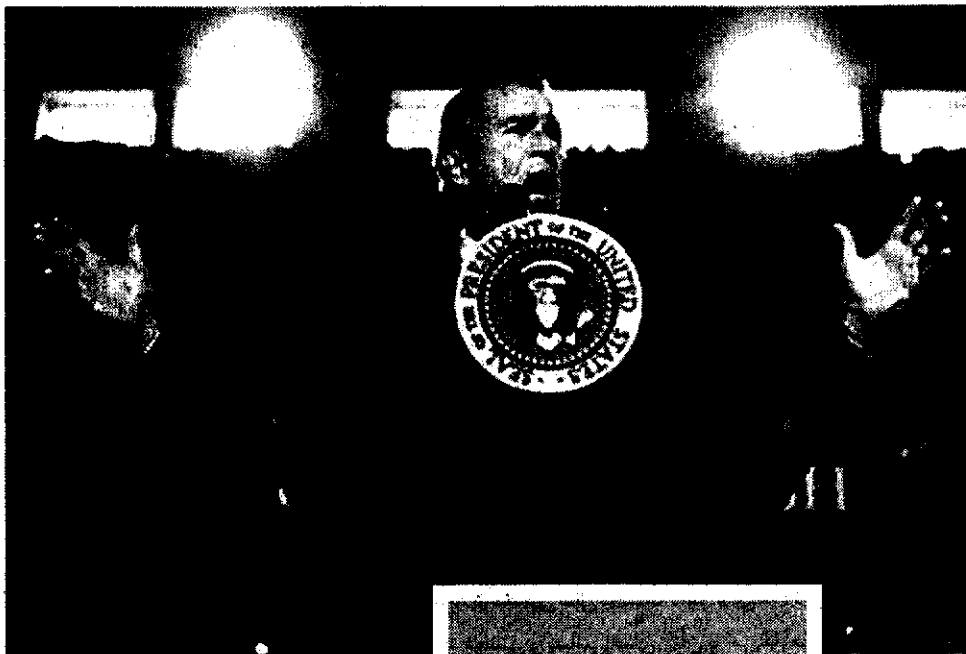
این مساله بیانگر این واقعیت است که در سال های پس از پیروزی انقلاب، وضعیت ایران و آمریکا و روسای جمهوری دو کشور برای طرفین اهمیت یافته و آنها نسبت به این مسایل و خواسته ها و مواضع هم حساس شده اند.

در این سال، رونالد ریگان، جورج بوش پدر، بیل کلینتون و جورج بوش پسر قدرت را در آمریکا در دست داشته اند ولی به استثنای ۸ سالی که کلینتون از حزب دموکرات رئیس جمهوری بود در بقیه سال ها جمهوری خواهان کنترل کاخ سفید را در دست داشتند. همچنین در طول این سال ها اگر چه در زمان بیل کلینتون اندک گشایشی در روابط دو کشور به وجود آمد ولی ایران و آمریکا همواره علیه هم جوسازی و تبلیغ کرده و در مقابل یکدیگر صف آرایی نموده بودند.

مصاحبه خاتمی در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۷ با کریستین امانپور و روشی که پس از دوم خرداد در پیش گرفته شد در گشایش روابط دو کشور مهم بود. در این رابطه "قردهالیدی" کارشناس مسایل خاورمیانه معتقد است: "خاتمی به عنوان منتخب مردم ایران با رفتار خود و گفت و گوی مستقیم با مردم آمریکا، خاطره ۲۴۴ روز گروگانگیری در تهران را از بین برد، بحران سلمان رشدی را که از سال ۱۹۸۹ ایران را تحت فشار بین المللی قرار داده بود به کنار زده و رای آوریل ۱۹۹۷ دادگاه برلین را باطل کرده و در فاصله یک سال ایران را از انزوا به موضوع اول بحث بین المللی تبدیل کرد بطوری که اکنون به پیشتاز گفت و گوی تمدن ها در سال ۲۰۰۱ تبدیل شده است."

ولی روند حوادث آنگونه که "قردهالیدی" و برخی ناظران سیاسی مسایل ایران و منطقه فکر می کردند ادامه نیافت زیرا دولت خاتمی در داخل در شرایطی قرار گرفت که نتوانست هیچ برنامه رفرمیستی و اصلاحی را به اجرا در آورد.

در دو دهه اخیر اهمیت ایران برای آمریکا به تدریج بیشتر شد و واشنگتن در صدد برآمد به گونه ای با تهران به تعامل برسد. سفر هیات آمریکایی به ریاست مک فارلین در زمان ریگان به ایران و ماجرای ایران کنتر این واقعیت را آشکار ساخت که دو کشور



آمریکا در منطقه استراتژیک خاورمیانه و خلیج فارس گردید.

۲. گروگان گرفتن دیپلمات های آمریکایی به مدت ۴۴۴ روز در تهران توسط دانشجویان مسلمان که به قطع رابطه میان دو کشور انجامید و تنش میان تهران و واشنگتن را افزایش داده و در حقیقت ایران و آمریکا را از نظر سیاسی و حتی نظامی رویاروی هم قرار داد. در حالی که قبلاً این ذهنیت به وجود آمده بود که پس از پیروزی انقلاب، آمریکا به واقعیت های ایران جدید پی برده و در صدد اصلاح روش های خود در قبال ایران اسلامی برآید و در سیاست های خود تجدید نظر کند. اما حوادث بعدی نشان داد که دو کشور در ۲ مسیر جداگانه حرکت کرده و روز به روز از همدیگر دور می شوند.

در این شرایط بود که انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا نیز برای مردم اهمیت پیدا کرد و آنها همراه با دولت و حکومت مبارزات انتخاباتی آمریکا را پی گرفته و نظریات مثبت و منفی درباره کاندیداها بیان می کردند.

البته این مساله یک جنبه نبوده و کاندیداها ی ریاست جمهوری آمریکا هم در این سال ها به ایران توجه داشته و وضعیت این کشور را به عنوان یک پارامتر انتخاباتی مورد توجه قرار داده اند بطور مثال رابطه با تهران، فعالیت های هسته ای ایران و چگونگی مقابله با ایران از مخورها و پارامترهای

با وجود کشمکش‌ها و چالش‌ها، نیم‌نگاهی نیز بر رفع مشکلات و نارسایی‌ها داشته و مایل بودند اختلافات چای خود را به دوستی و همکاری بدهد. ولی در این میان آنچه مانع نزدیکی بیشتر و آشتی دو کشور شده دیوار بلند بی‌اعتمادی و دخالت‌های کانون‌های قدرت بود که اوضاع را روز به روز وخیم‌تر می‌کرد.

در دوران قبل از پیروزی انقلاب، شاه از طریق کمک‌های مالی که در اختیار کاندیدا و حزب مورد نظر خود قرار می‌داد سعی می‌کرد در انتخابات تاثیرگذار باشد اما در سال‌های اخیر خصوصاً در انتخاب میان بوش و کری ایرانی‌ها خواسته‌هایی داشتند که اگر چه این خواسته‌ها نمی‌توانست بر رای‌دهندگان آمریکایی تاثیر بگذارد اما برای ایرانی‌ها مهم بود بطوری که مردم طرفدار ادامه ریاست جمهوری بوش بودند در حالی که دولت و هیات حاکمه معتقد به تغییر رییس جمهوری آمریکا و جایه‌جایی بوش با کری بودند. هر یک از آنها دلایل خاصی داشته و نظریاتی به خصوص را بیان می‌کردند.

نگاهی به روابط ایران با آمریکا مویده این مساله است که ایران هم در زمان دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان دارای مشکلاتی با واشنگتن بوده و یا حمایت آنها را جلب کرده است به همین دلیل نمی‌توان ادعا کرد دموکرات‌ها طرفدار ایران هستند یا جمهوری خواهان بلکه باید به این واقعیت توجه کرد که برای روسای جمهوری و احزاب آمریکا آنچه بیش از همه اهمیت دارد منافع ملی این کشور است. اگر آمریکا به افغانستان و عراق حمله کرده و اقدام به اشغال این دو کشور و سرنگونی رژیم‌های آنها می‌کند و یا وقتی که ارتش آمریکا به کویت لشکرکشی کرده و این شیخ‌نشین را از اشغال نظامی عراق خارج می‌سازد ابتدا منافع خود را در نظر گرفته سپس به موارد دیگر توجه می‌کند. به همین دلیل با جرئت باید اعلام کرد که اگر حادثه ۱۱ سپتامبر اتفاق نمی‌افتاد و

بن‌لادن و القاعده حملات خود را به واشنگتن و نیویورک صورت نمی‌دادند هیچ حمله‌ای به افغانستان و عراق صورت نگرفته و یا این اقدامات و حملات از چنین شدت و وسعتی برخوردار نبودند. نگاهی به آنچه جورج بوش در مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۰ با آل‌گور کاندیدای دموکرات‌ها بیان کرد یا مسایلی که در ماه‌های اخیر از سوی او و جان کری عنوان شد این واقعیت را آشکار می‌سازد که محورهای تبلیغاتی در فاصله ۲ سال گذشته تفاوت اساسی کرده است. به طوری که امروزه وضعیت خاورمیانه، فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اوضاع عراق، افغانستان و فلسطین تا حدودی بر تبلیغات انتخاباتی سایه انداخته بود.

ایران و آمریکا در طول سال‌هایی که با یکدیگر رابطه سیاسی برقرار کرده‌اند، روابط یکسانی نداشتند. در زمان صدارت امیرکبیر او به فکر ایجاد سفارتخانه‌های دائمی در کشورهای مختلف افتاد که در همین جهت با برخی از کشورها رابطه دیپلماتیک برقرار شد. در سال ۱۸۵۶ ایران و آمریکا

رابطه سیاسی برقرار کردند اما تا سال ۱۸۸۶ که سفارت آمریکا در ایران دایر شد توسعه روابط دو کشور به تعویق افتاد. در این سال پنج‌مین اولین سفیر آمریکا در ایران اقدام به تاسیس سفارت کرد در حالی که ایران در سال ۱۸۸۸ سفارت خود را در آمریکا دایر کرد.

اولین سفیر ایران در آمریکا حاجی حسین قلی خان صدر السلطنه معروف به حاجی واشنگتن بود که از اقدامات شاخص و برجسته او در زمان سفارت‌بریدن گوسفند و قربانی کردن در عید قربان در واشنگتن بود که اعتراض بسیاری را در پی داشت. او هفتمین فرزند میرزا آقاخان اعتمادالسلطنه صدر اعظم ناصرالدین شاه بود. در دهمین سال سلطنت ناصرالدین شاه قرار داد دوستی و سیاسی میان ایران و آمریکا امضا شد ولی از زمان برقراری رابطه سیاسی تا گشایش سفارت ۲۵ سال طول کشید بطوری که در زمان ریاست جمهوری آرتور، اولین سفیر آمریکا انتخاب و راهی تهران شد.

آمریکایی‌ها تا زمان کودتای ۲۸ مرداد رابطه مطلوبی با ایرانی‌ها نداشتند آنها در مقابله با استبداد محمدعلی‌شاه در زمان مشروطه نقش مثبت ایفا کردند و با بیرون راندن روس‌ها از آذربایجان در زمان استالین فعال بودند. ولی حادثه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نقش آنها در سقوط دولت ملی دکتر مصدق و بازگرداندن رژیم شاه به قدرت و حوادث پس از آن روابط مردم را با آمریکا دگرگون کرد. به نظر نمی‌رسد روی کار آمدن مجدد بوش نیز تغییری در دیدگاه‌های دولت‌های واشنگتن و تهران به وجود بیاورد. زیرا خواسته‌های دو طرف کاملاً مغایر یکدیگر بوده و در حقیقت متضاد است. اگر چه ممکن است عنوان شود بسیاری از اتهامات آنها به همدیگر وهم و خیالی بیش نیست و واقعیت ندارد اما باید شرایط به گونه‌ای فراهم شود تا این موانع خیالی به تدریج از بین رفته و زمینه مساعد و مناسبی برای دوستی و تفاهم فراهم شود.



**شرکت خدمات مسافرتی**

اطلس (عقد به‌تای)

شماره ثبت: ۷۵۶۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

**بیش از چهارده سال سابقه خدمت**



خیابان میرزاکمال‌عبدان مازندرانی (معمدنی)، خیابان شهید شایگان  
 پلاک ۴۱ صندوق پستی: ۱۹۹۱-۱۳۳۵  
 تلفن: ۲۲۷۰۰۲۶ - ۲۲۷۰۰۲۱ - ۲۲۷۰۰۲۲  
 فاکس: ۲۲۷۰۰۲۲